

داود رمنی و آزادی

آشنائی من با او بسیار کوتاه بود و در ارتباطی کوتاهتر برابیم از شعر آزادی گفت. اما ، مرگ به او فرصت نداد تا آزادی میهن را بچشم ببیند و خاک غربت او را در برگرفت . فارغ از اندیشه سیاسی اش او را دوست داشتم ، چراکه **مفهوم آزادی** را می شناخت و **ایران** را عاشقانه دوست می داشت . با خود اندیشیدم چه کنم در نبودش ، تا یادش را گرامی بدارم ، هیچ پاسخی بهتر از " آزادی " نیافتم .

<http://www.mahnaaz.com/>

آزادی

نام تو را می نویسم من ، آزادی
به فصل های بر نیامده سرزمین مادری ام
به روی جلد کتاب خونین و در هم ریخته تاریخ کشورم

بر سر در گورستان بهشت زهرا و بر چادر سیاه مادران گریان
بر پلک های متورم زندانیان سیاسی و کتف های زخمی شان
بر پرچم گمشده سبز و سرخ و سپید و ظنم
و بر سینه ملتهب و خروشان دانشجویان زندانی

نام تو را می نویسم ای آزادی

بر سکه کهنه و مسین و مخدوش عدالتمان
بر طومار در هم پیچیده شده حیثیتمان
و بر آئینه ترک خورده هویت تاریخی مان

نام تو را می نویسم من آزادی
به دفتر پر برگ و رنگ و رورفته شرافتمان
بر تنه درخت موریانه خورده اعتبار جهانی مان

نام تو را می نویسم من آزادی
بر سنگ مزار آنان که جان در راه تو باختند
بر تیر رها شده از کمان آرش
بر نام غرنده یعقوب لیث
بر پیکر از هم دریده مانی و مزدک و بابک خرمدین
و قطره های خون پاشیده شده آنان در تالار آیه ها

نام تو را می نویسم من آزادی
بر گلوگاه دریده شده شاهپور بختیار ، کوروش آریا منش و فروهر ها
بر سینه شکافته شده طاهره سنت شکن
بر مغز متلاشی احمد کسروی
بر دل منفجر شده سعید سلطانپور

و جسم در هم دریده فریدون فرخزاد
بر اندام تیر خورده امیر عباس هویدا
و افسران وطن پرست تیر باران شده

نام تو را می نویسم آزادی
بر نفس بریده شده سعیدی سیر جانی
بر اندام سوخته شده نیوشا فرهی و هما دارابی
بر پیکر گلوله باران شده خسرو گل سرخی
و بر مزار سبز محمد مصدق

نام تو را می نویسم آزادی
بر مقاومت دلیرانه امیر انتظام و منوچهر محمدی و پور زند
بر چشمان مهتابی فریدون مشیری
بر کف دستان نادر نادر پور
بر پیشانی سرد نصرت رحمانی
بر دفتر های به فراز کشیده شده احمد شاملو
بر زبان برنده محمد مختاری و پوینده

نام تو را می نویسم آزادی
بر تفکر رعد آسای حلاج اناالحق گوی
و حسنک وزیر و عطار و فردوسی و عین القضاة که با امیران جهالت می
جنگیدند
و بر تک تیر مرده پرستان سنت ، مهر باطله زدند

نام تو را می نویسم آزادی
بر شعور بالنده ابلیس که اطاعت نکردن را به من آموخت
بر منطق سیلای ثنائی و احمد غزالی و سهروردی و حافظ بت شکن

بر دل خاموش نیما یوشیج انقلابی
بر خشم تسکین ناپذیر رازی و سعد سلمان و میرزاده عشقی
بر شیار های مغز منقلب اخوان ثالث و سهراب سپهری
و بر سنگ مزار فروغ فرخزاد

نام تو را می نویسم آزادی
بر گور های گمنام دختران و پسرانی که در راه عقایدشان به دستور جلاد قرن ،
خمینی ، اعدام شدند

نام تو را می نویسم بر کف دستان خونین عیسای ناصری
بر آفاق گسترده ذهن پر بار زردشت
بر بلندی شعور آزادی طلب موسی
بر یاقوت سرخ زبان ابن سینا
بر زبان و قلم خونین جملگی ملحدان و کافران و مرتدان دیروز و امروز
و بر جمجمه ترکیده سنگسار شدگان دوران خلافت ولایت فقیه
بر سردر سلاخ خانه زندان اوین

نام تو را می نویسم آزادی
بر نعره جگر خراش دختران زندانی به هنگام تجاوز پاسداران به آنها ، قبل از
تیر باران ، که به بهشت نروند

نام تو را می نویسم آزادی
بر انارستان سرخ و شکفته شده خرد زنان و مردان دگر اندیش
بر قیام دانشجویان طوفان بر انگیز در میدانها و خیابان های ایران
و بر لبان نعره سر در داده روزنامه نگاران دربند
و سر انجام

نام تو را مینویسم من ، آزادی
تو ای تمامیت حکایت بودن علیه خلیفه

تو ای نغمه جادوئی ابر و سروش پنهانی دل
تو ای تبع اشتیاق در اندام ملت‌هت تفکر
و تو ای غرش روده‌های خروشان اعتراض به خفقان ،
در خشکسالی آزادی ملت ایران

آری

نام تو را می نویسم ، ای آزادی
بر آسمان ، بر خاک ، بر خورشید ، بر تاک
بر زمان ، ابر ، مکان ، و بر پیشانی انسان
نام تو را می نویسم آزادی

" یاد و خاطره داوود رمزی گرامی باد "

